

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۲۰۱

ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۲۲ آبان ۱۳۹۲، ۱۳ نوامبر ۲۰۱۳

سردبیر عبدال کلپریان

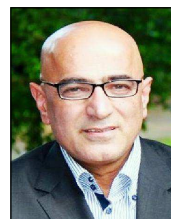


در هفته تشدید اعتراضات علیه اعدام، اسامی و تصاویر حاکم شرعها را با شعار:
«ننگ و نفرت بر جمهوری اسلامی» و یا
«حاکم شرع قاتل ننگ و نفرت بر تو» در سطح شهرها پخش کنید.

علی اکبر گروسی. رئیس کل دادگستری استان کردستان

هفته تشدید اعتراضات علیه اعدام

نظام جمهوری اسلامی خشم و نارضایتی توده‌ای را برانگیخته و تنفر از این اعمال جنایتکارانه را پر دامنه کرده است! مساله مبارزه با اعدام به سیاست روز و به یکی از چالشهای مهم مردم در شهرهای کردستان تبدیل و صف بندی سیاسی را در جبهه مردم و جامعه ایجاد کرده است. مساله مردم در شهرها «نه به اعدام. زنده باد زندگی!» است. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران و کمیته



نسان نودینیان

از اوایل آبان ماه امسال (۱۳۹۲) اعتراض به اعدام پر دامنه شده است. اقدامهای فله ای توسط

صفحه ۲

مردم کردستان راه نشان میدهند! مردم سقز نیز علیه اعدامها دست به تظاهرات زدند!

کشور را نوید میدهد.

بدنبال پخش خبر اعدام ۱۸ فعال سیاسی (دو نفر از کردستان و شانزده نفر از بلوچستان) و احتمال اجرای

صفحه ۲

راهپیمایی گسترده مردم در شهر مریوان و ادامه این اعتراضات در شهرهای سقز و سردشت، گام دیگری جنبش علیه اعدام را به جلو برد و گسترش این جنبش در سراسر

نگاه هفته: مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

اند. کارگران در نامه به وزیر کار به این شکل مطالبات فوری خودشان را مطرح کرده اند. «علی رغم سپری گشتن قریب به هفت ماه از سال جاری، همچنان از حق افزایش ۲۵ درصدی دستمزد بر اساس بخشنامه شورای عالی کار بی بهره ایم». و کارگران در نامه به تهدید و تحقیر توسط مدیر کل اداره کار اشاره کرده اند.

خطاب به کارگران خبازی های سنج و حومه، مریوان و سروآباد!

سکوت وزیر کار (ربعی) را با اقدامات اعتراضی بشکنید.

انجمن های صنفی کارگران خبازی های سنج و حومه، سقز و مریوان و سروآباد در نامه ای به وزیر کار، خواهان افزایش مزد کارگران نانوائیها بر اساس مصوبه شورای عالی کار، و پرداخت مابه التفاوت دستمزدهای سال جاری شده

صفحه ۳

فراخوان مشترک

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

هفته اعتراض عمومی مردم کردستان علیه موج اعدام های اخیر در ایران

رژیم با دول آمریکا و غرب و سکوت این دولت ها در برخورد به فجایع و موج اعدامهای اخیر در ایران نیز، فاکتور

را گسترش داده و به بهانه های پوچ و واهی کشتار دسته جمعی مردم بی دفاع از جمله زندانیان سیاسی را در صدر وظایف خود قرار داده است. داد و ستد کنونی

مردم آزادیخواه کردستان! جمهوری اسلامی، بنا به رسم و سنت همیشگی خود برای عبور از هر تند پیچ سیاسی، فضای اختناق و سرکوب در جامعه

صفحه ۲

مصاحبه شیوا محبوبی با اقبال مرادی درباره آخرین وضعیت زانیار و لقمان مرادی: شاهدهی برای اثبات بی گناهی زانیار و لقمان پیدا شده است.



پدر زانیار مرادی زندانی محکوم به اعدام در گفتگو با برنامه تلویزیونی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی می گوید: شاهدهی پیدا شده که ثابت می کند قتل فرزند امام جمعه مریوان کار زانیار و لقمان مرادی نبوده است.

صفحه ۶

فراخوان حزب کمونیست کارگری به کارگران و مردم طرح حذف یارانه ها در راه است آنرا در نطفه خفه کنیم صفحه ۴

صفحه ۵

مختصری از تاریخ یک دوره / بخش سی و ششم / عبدال کلپریان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ هفته تشدید اعتراضات علیه اعدام ها

کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست همراه با همگام با صدها کادر و کمونیست آزادیخواه و انقلابی مردم شهرهای کردستان را به تشدید اعتراضات توده ای فراخوانده ایم. این فراخوان در شرایط کنونی که مردم و جوانان انقلابی با برگزاری تجمعات اعتراضی ناراضیاتی عمیق توده مردم در شهرها را منعکس و عملاً به خیابانها کشانده اند، ضروری بود. این فراخوان باید بستر همکاری و نزدیکی چپ و کمونیستها در شهرهای کردستان را بیشتر و بر میزان اعتماد بنفوس، و اقدامات ابتکاری بیفزاید. در این دوره به هر درجه و میزانی مردم و جوانان به هم نزدیک و بر بستر توازن قوا و فضای سیاسی جامعه بر برگزاری و فراخوان به تجمعات محلی و سراسری فکر کنند، راه های شکستن سد و موانع «امنیتی و پلیسی» را تشخیص دهند و با ابتکارات جمعی در ایجاد و دامن

قرار گرفته اند دامنه این اعتراضات میتواند هدفمندتر شود. برپایی تجمع به منظور لغو قرارداد «اجرای حکم اعدام که توسط امام جمعه میروان با دستگاه قضایی و اجرای احکام اعدامها انجام شده». - لغو احکام اعدام این دو زندانی سیاسی (زانیار و لقمان مرادی) فتح سنگر محکمی است در راه پیشروی های جنبش علیه اعدام در ایران. شکست دادن و متوقف ساختن سیاست اعدام بعنوان شنیع ترین جنایت توسط جمهوری اسلامی وظیفه هر انسان آزادیخواهی است. تقابل و به میدان آمدن شما در برابر سیاست سرکوبگرانه رژیم اسلامی تنها راه نجات زندانیان در زندانها است. برای متوقف کردن سیاست کشتار جمهوری اسلامی، به هر شکل و شیوه ای که مناسب می دانید به میدان بیایید. اعدام یک جنایت است و باید به آن پایان داده شود.

از صفحه ۱ مردم کردستان راه نشان میدهند! ...

اعتراض، خیابانهای اطراف این میدان از جمله خیابانهای قدس، جامعه و گاراژ را بستند و همزمان مزدوران یگان ویژه، ضد شورش و وزارت اطلاعات برای متفرق کردن مردم به میدان آمدند. در جریان این تظاهرات چند نفر دستگیر شدند. روز سه شنبه نیز صدها نفر از مردم میروان با در دست داشتن پلاکاردهای علیه اعدام و عکس زانیار و لقمان مرادی که در خطر اعدام بسر میبرند، در یک حرکت اعتراضی در مرکز شهر میروان، با حکم اعدام زانیار و لقمان مرادی در شهرهای میروان، سقز و سردشت اعتراضات قابل توجهی شروع شده است. بنا به خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است امروز چهارشنبه نزدیک به هزار نفر از مردم مبارز شهر سقز از ساعت ۴ تا ۷ بعدازظهر در خیابانهای مرکزی شهر حضور پیدا کرده و به جنایات جمهوری اسلامی و اعدام های اخیر اعتراض کردند. مردم در میدان "هه لو" تجمع کردند و نیروهای سرکوب رژیم بمنظور جلوگیری از گسترش

صدای بلند به اعدام نه گفتند. شعار "نه به اعدام، بله به زندگی" و "خشونت را تمام کنید" و ... با صدای بلند در شهر میروان طنین انداخت. در سطح شهر پلاکاردهایی با عکس های حبیب گلپری پور و زانیار و لقمان مرادی نصب شد و دانشجویان دانشگاه نور میروان نیز در اقدامی جالب پلاکاردی با عکس زانیار و لقمان مرادی و با شعار زانیار و لقمان را نکشید در دانشگاه نصب کردند. در سردشت نیز از امروز تجمعات پراکنده ای علیه اعدام شروع شده است.

جمهوری اسلامی از ترس گسترش اعتراضات مردم کردستان، اوپاش سرکوبگر خود را در شهرهای سنندج، سقز، بانه، میروان و سردشت و برخی شهرهای دیگر مستقر کرده و فضا را بیش از پیش نظامی کرده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به مردم میروان و سقز و سردشت درود میفرستد و مردم آزاده در سراسر کردستان را فرامیخواند که متحد و یکپارچه مبارزات خود را



از صفحه ۱ فراخوان مشترک ...

دیگری است که جمهوری اسلامی را در ادامه اعدام زندانیان سیاسی جری تر کرده است.

جمهوری اسلامی طی دو هفته اخیر نزدیک به ۵۰ نفر از زندانیان را به جوخه اعدام سپرده است. اما علیرغم اینهمه وحشیگری، مردم آزادیخواه کردستان از جمله مردم شهرهای میروان و سقز در اوج جسارت و شجاعت در برابر این

یورش دست به مقابله زده و بی محابا به خیابانها رفته و با شعار «نه به اعدام» به کشتار زندانیان بییدفاع اعتراض کردند. مردم این شهرها با این اقدام انقلابی و جسورانه خود راه مقابله با جمهوری اسلامی را نشان دادند.

مردم آزادیخواه کردستان، کارگران، جوانان و زنان مبارز! جمهوری اسلامی، رژیم شکنجه و اعدام و سرکوب است. راه مقابله و ایستادن در برابر سیاست اعدام رژیم و شکست دادن قطعی آن، تنها از کانال اعتراضات جمعی شما می گذرد. سیاست رژیم در برابر زندانیان سیاسی را فقط می توان با اعتراضات وسیع توده ای شکست داد. تظاهرات و تجمع در مراکز شهرها، تحصن و اعتصاب در مدارس و ادارات دولتی و دکان و بازار، دیدار با خانواده های جانباختگان و پخش اعلامیه و عکس زندانیان سیاسی محکوم به اعدام مکانیسمهای شناخته شده مبارزه شما در سالهای اخیر

جمهوری اسلامی، رژیم که مناسب می دانید به آن پایان داده شود. باید به آن پایان داده شود. زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری سرنگون باد جمهوری اسلامی کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ۹ نوامبر ۲۰۱۳ ۱۸ آبان ۱۳۹۲

رژیم را سد کنیم. تنها راه نجات جان عزیزان ما اعتراض و مبارزات جمعی ما است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۱۵ آبان ۱۳۹۲، ۶ نوامبر ۲۰۱۳

گسترش دهند. این اعتراضات و اعتراضاتی که در تعدادی از کشورهای اروپا و کانادا و در کردستان عراق و ترکیه شروع شده است، بدون شک تاثیرات قابل توجهی در عقب راندن حکومت دارد. نشانه های اختلاف در صفوف حکومت از هم اکنون شروع شده است. میتوانیم جلو ماشین جنایت

از صفحه ۱ نگاه هفته...

سالجاری تاکنون فقط دستمزد فروردین ماه خود را دریافت کرده اند.

بنابر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، مراجعات مکرر این کارگران به کارفرما نیز تاکنون نتیجه‌ایی در بر نداشته است و کارفرما در مقابل خواست آنان برای دریافت دستمزدشان اعلام کرده است "وضعیت همین است می‌خواهید کار کنید نمی‌خواهید بروید". بنابر این گزارش کارگران پروژه احداث تونل میدان نبوت سنندج برای احقاق حقوق خود به اداره کار این شهرنیز مراجعه کرده اند اما اداره کار نیز اعلام کرده است "کاری از دست ما بر نمی آید". این کارگران بدلیل ترس از اخراج که پراحتی برای کارفرما مقدور است علی‌رغم شرایط بسیار سخت معیشتی که دارند همچنان ناچار به ادامه کار در این پروژه هستند. بنابر اظهار کارگران پروژه احداث تونل میدان نبوت، پیمانکار این پروژه، دهها پروژه دیگر نیز در سطح کشور دارد که مجموعاً بیش از سه هزار کارگر در آنها مشغول بکارند از جمله پروژه های این شرکت ساخت سد ژاوه در استان کردستان میباشد.

نکاتی درباره کار در شرایط سخت و زیان آور - کمیته هماهنگی (با نگاهی به وضعیت کارگران سنندج)

کارهای سخت و زیان آور به کارهایی گفته می شود که در آنها عوامل فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار غیر استاندارد بوده و در اثر اشتغال تنشی به مراتب بالاتر از ظرفیت های طبیعی (جسمی و روانی) در کارگر ایجاد می گردد که نتیجه آن بیماری شغلی و عوارض ناشی از آن می باشد. کار در محیط با سر و صدای زیاد و یا فضای گرم و مرطوب کارگاه، مکان های دارای گرد و غبار و مواد آلاینده شیمیایی و دود زا و اشعه های خطرناک، کار در ارتفاع های غیرمعمول، رانندگی های مداوم و طولانی مدت و مشاغل استرس زا و خطرناک و... جز کارهای سخت و زیان آور هستند بنابر این کارگرانی که در صنایع نساجی، سنگ بری ها، کوره پزخانه ها، کارگاه های ریخته گری و ذوب فلز، معادن زیرزمینی، خبازی

تنفسی و پوستی و دیگر بیماری های خطرناکی که نهایتاً نه تنها توان ادامه کار را از کارگر می گیرد بلکه سلامتی او را به طور جدی به خطر می اندازد. در محیط های کار، کارگرانی که به دلیل سخت و زیان آور بودن محیط های کار به چنین عوارض مبتلا می شوند، ناچارند که به دنبال دریافت مرخصی های استعلاجی و استراحت های پزشکی بروند و البته، این بار نیز کارفرمایان با سیاست های سرمایه محورشان، مشکلات دیگری را پیششماری کارگران قرار می دهند هزینه های دیگری را به آنها تحمیل می کنند. تأییدیه تشخیص بیماری کارگر و تجویز استراحت توسط پزشک معالج و معتمد سازمان تأمین اجتماعی و تأیید عارضه ناشی از محیط کار توسط پزشک معتمد کارفرما، برای کارگران اجباری است و هزینه های تشخیص، درمان و تأیید بیماری بر عهده خود کارگر است و اگر بر اساس تشخیص پزشک معتمد، از کارگر به دلیل عارضه جسمی، از ادامه انجام کار در شغل قبلی منع شود، در معرض خطر بزرگتر یعنی اخراج و بیکاری قرار می گیرد. در حالیکه طبق ماده ۳ اصلاحیه قانون تأمین اجتماعی "کارفرمایان مکلفند شاغلین در کارهای سخت و زیان آور را حداقل سالی یک بار به منظور آگاهی از روند سلامتی و تشخیص به هنگام بیماری و پیشگیری از فرسایش جسمی و روحی آنان توسط مراکز بهداشتی و درمانی مورد معاینه قرار داده و نتیجه را در پرونده های مربوطه ضبط و یک نسخه از آن را به سازمان تأمین اجتماعی ارائه نمایند". در سال های اخیر کارگران سنندج نیز همچون سایر کارگران با مشکلاتی در مورد کارهای سخت و زیان آور روبرو شدند که "شرکت سقزسازی ون" یکی از این موارد است؛ این شرکت علاوه بر تحمیل شرایط سخت کاری و انجام کارهای سنگین به کارگران و عدم توجه به درخواست های مرخصی کارگران اقدام به اعمال دیگر سیاست های ضدکارگری، از جمله اخراج "محمدعزیزی"، "حسین زارعی"، "ایوب و طالب کریمی" به دلیل خامت عارضه ناشی از کاربوهاهی های ساختگی وی پایه دیگر، نموده است.

عدم توجه به درخواست های تعویض نوع شغل کارگرانی که با مواد شیمیایی کار می کنند و دچار انواع عارضه ها و حساسیت های پوستی شده اند را نیز باید در زمره سیاست های ضد کارگری سرمایه داران دانست. در این رابطه می توان به اخراج "ابوبکر فطنی" از شرکت نساجی شین بافت سنندج " اشاره کرد. هم چنین وضعیت بد تهویه سوله ریسنندگی، آلودگی شدید صوتی و صدای ناهنجار دستگاهها، وضع مقررات سخت گیرانه و عدم رسیدگی به شرایط بازنشستگی کارگران با سابقه و مشمول بازنشستگی بعد از گذشت چندسال، از دیگر شرایط کار در این شرکت می باشد. کارگران سنندج از روند رسیدگی به پرونده های مشمولین بازنشستگی و از کارافتادگی کارخانه هایی مانند نساجی شین بافت و "فرش نقشین" و "نساجی کردستان" و... در ادارات مربوطه، از سنگ اندازی و عدم حمایت سازمان تأمین اجتماعی و اداره کار و کمیسیون های پزشکی خسته شده اند. آنها باقی مانده انرژی و توان خود را در راهروهای اداره هایی که متولی انجام این امور هستند، در کاغذبازی اداری و سرگردانی از دست می دهند. گویی ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا روز به روز به مشکلات کارگران اضافه شود. واقعیت این است که کارگران برای غلبه بر مشکلات و نابسامانی های اهدایی نظام سرمایه داری و سرمایه داران که همه روزه بر دامنه و ابعاد آن افزوده می شود راه دیگری جز تکیه بر نیرو و توان جمعی خود ندارند. صاحبان سرمایه تمایل دارند که کارگران حتی المقدور به شکل انفرادی با نهادهای دولتی رو به رو گردند تا بعد از خسته شدن از دوندگی های اداری، به خواسته های کارفرمایان تن در دهند. و حال آنکه کارگران آگاه می دانند که تنها در صورتیکه به طور دسته جمعی پی گیر مطالبات کارگری، از جمله مطالبات مربوط به کارهای سخت و زیان آور خود شوند به نتیجه خواهند رسید. مطمئناً پشتیبانی کارگران بخش های دیگر، نقش موثری در دستیابی کارگران شاغل در بخش کارهای سخت و زیان آور مراکز تولیدی دارد. و بالاخره اینکه ایجاد صفحه ۴

رفقای کارگر! بیش از هفت ماه است دولتهای دهم و یازدهم به مطالبات فوری و برحق شما با بی اعتنائی برخورد میکنند. تحقیر و تهدید را فقط و فقط با اعتراض و تجمع باید جواب داد. کارگران فولاد زاگرس راه رسیدن به مطالبات و مقابله با لجابت و مقاومت اداره کار و کارفرما را نشان دادند. هماهنگی و با بریایی مجمع عمومی تحقق مطالبات را از نامه و شکایت به عرصه تجمع اعتراضی بکشانید. اعتراض و تجمع کارگران خباز در سنندج جواب دندان شکن و محکمی است به سکوت و تهدید مدیر کل اداره کار!

حادثه دردناک در مسیر روستای «هجیج»!

مسئولین و کارفرمای پروژه عمرانی سد «داریان» مسئول جانباختن ۸ تن از کارگران و زخمی شدن یک نفر از آنها هستند! ۲۰ آبان: یک دستگاه وانت بار حامل ۹ تن از کارگران سد داریان در هنگام بازگشت از کار بدلیل خارج شدن چرخ خودرو، از مسیر جاده منحرف شد و پس از سقوط به داخل دره ۷ کارگر جان باختند. در این حادثه دو کارگر دیگر نیز مصدوم و راهی بیمارستان شدند که منابع غیر رسمی از کشته شدن هشتمین کارگر در جریان انتقال از بیمارستان قدس پاوه به بیمارستان امام رضا خبر می دهند. اسامی کشته شدگان این حادثه: رحمان نظری، محمدقربیب رمضانی، صیاد نظری، غفار کریمی، کریم خدادادی، محفوظ انزی و مرشد گلناری اعلام کرده اند. همچنین دو کارگر با نامهای «لایق نظری» که رانندگی وانت را بر عهده داشته و همچنین کارگر دیگری به نام رحیم علی پناه که در بین راه به جمع کارگران سد داریان پیوسته بود به بیمارستان منتقل شدند.

عدم پرداخت دستمزد کارگران پروژه تونل میدان نبوت سنندج اتحادیه آزاد کارگران ایران: بیش از یکصد کارگر شرکت راه و ساختمان "معتبر" پیمانکار احداث تونل میدان نبوت سنندج از اول

از صفحه ۳ نگاه هفته...

تشکل های خود ساخته در محیط کار و به نیرو و خواست خود کارگران، امری تعیین کننده در این راه است. تشکلی که بتواند به نمایندگی از تمامی کارگران، مدافع جدی و حامی واقعی مطالبات و خواسته های شان در برابر سرمایه داران باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری آبان ۱۳۹۹

چنگال شوم طلاق همچنان سایه اش را بر کودکان میوان می گستراند!

نگاهش نگران تر از آن است که بتوانم او را به نشست بر روی صندلی تعارف کنم. انگار تو گویی سحرش را با بغض دعوی دیشب با همسرش به روز رسانده مستاصل و نگران! دادخواستی مجاله، دستان لرزانش را روانه دفترم می کند بفرمایید! خانم، میتونم کمک تون کنم بنویس آقا! (با صدای گرفته و پریشان) فقط می خواهم طول نکشد. دیگر هیچی برابرم مهم نیست می خواهم از این زندگی اسفناک... چندین قدم از طرف تر. همسرش با نیش خنده ای زهرآگین، صدایش را به یکبار بالا می کشد و او را به سکوتی مرگبار محکوم می کند. و تو گویی مثلش را در فیلم های قرون وسطی دیده ای... دادخواست را صاف می کنم بدون اینکه بتوانم از فضای مسموم و سکون زوجین سوالی بپرسم. به تنظیم دادخواست مشغول می شوم نگاه معنا دار دختر ۳ ساله، دستانم را از نوشتن برای لحظه ای باز می دارد برای چند ثانیه ای تمام موهای بدنم سیخ می شوند و انگار تمام عالم بر سرم آوار می شود. صدای زن مرا باز به خود می آورد. آقا! چرا ماتتون برده عجله داریم بنویس... و باز هم به تنظیم دادخواست ادامه می دهیم... ببخشید! شرایط متراکتون چه چیزهاییه؟ مرد احمق و حقوقات شرعی و قانونی ایشان را تماماً و کمالات پرداخت می کنم. اما نمی گذارم یک لحظه دخترم را ملاقات کند. اینجاست که دعوا با هم بالا می گیرد (در میان هم همه دعوا) همچنان نگاه دختر سه ساله مرا عذاب می دهد بی خبر از همه جا.

و تو گویی انگار در میان رویاهای کودکی خود گم شد... و چه تلخ است این حکایت که همچنان ادامه دارد و انگار به دردی مشترک تبدیل شد و گریبان گیر اکثر زوجین نسل امروز شد و این قصه همچنان با تلخی ادامه دارد. سایت زیربار نویسنده بهرام غلامی)

اعدام : حاجی ملا رحیم رشیدی اهل روستایی در منطقه سومرا بردوست اورمیه متأهل و دارای پنج فرزند که از چهار سال پیش در زندان شیراز محبوس بود صبح امروز در شیراز اعدام شده است. طبق گزارشها وی از ۴ سال پیش در شرایط بلا تکلف بسر میبرد و در هفته گذشته حکم اعدام وی از سوی دادگاه مورد تأیید قرار گرفته است. پس از صدور حکم اعدام برای رحیم رشیدی اعضای خانواده اش در چند روز گذشته با مراجعه به زندان شیراز پیگیری وضعیت وی شده بودند ولی مسئولان زندان زمان اجرای حکم را به آنها اعلام نمی کردند. گفته می شود دو زندانی دیگر نیز در زندان شیراز به چوبه دار آویخته شده اند.

آزادانی سیاسی در زندان اورمیه به سلول انفرادی منتقل شده اند: حکم اعدام چهار زندانی سیاسی کرد، در دیوان عالی ایران مورد تأیید قرار گرفته و خطر اجرای این احکام بیش از پیش است در چند روز گذشته حکم اعدام سیروان نژادی، ابراهیم عیسی پور، منصور آروند و سامان نسیم از سوی دیوان عالی کشور تأیید شده است. این چهار زندانی سیاسی به اتهام دشمنی با خدا و برهم زدن امنیت ملی در دادگاههای انقلاب ایران به اعدام محکوم شده بودند. برخی گزارش ها حاکی از آنست که زندانیان یاد شده همگی به سلول انفرادی زندان اورمیه منتقل شده اند و به خانواده آنها اطلاع داده شده که برای آخرین بار به دیدار با آنها بروند.

آزادانی در زندان کاشمر دست به اعتصاب غذا زدند: دو تن از زندانیان سیاسی در زندان مرکزی «کاشمر» جهت محکوم ساختن اقدام رژیم ایران برای اعدام دو زندانی سیاسی کرد «حسین الله گلپری پور و رضا اسماعیلی» که چند روز پیش در اورمیه اعدام

فراخوان حزب کمونیست کارگری به کارگران و مردم علیه طرح تهاجم جدید اقتصادی رژیم طرح حذف یارانه ها در راه است آنرا در نطفه خفه کنیم



از ابتدای سر کار آمدن دولت روحانی بحث صندوق های دولت خالی است و پولی برای پرداخت یارانه ها نیست شروع شد و اکنون علی طیب نیا، وزیر امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی میگوید که "دولت برای پرداخت یارانه های نقدی پولی در بساط ندارد و قطع یارانهها برای قشر فقیر و متوسط هم ممکن نیست". قبل از این نوبت سخنگوی دولت روحانی اعتراف کرده بود که قطع کامل یارانه های نقدی منتفی نیست. با توجه به همین اعترافات، حکومت می خواهد یارانه نقدی را قطع کند اما میترسد مردم دست به شورش بزنند. آنچه مشخص است اگر مردم کاری نکنند، دولت بطور قطع وضعیت فلاکتبارتری را به مردم تحمیل میکند.

در مورد یارانه ها اصل ماجرا این است که دولت احمدی نژاد بعنوان بخشی از سیاست ریاضت اقتصادی، و با هدف نجات اقتصاد بحران زده حکومت، یارانه بسیاری از کالاهای مورد نیاز مردم را قطع کرد. اما بدلیل فضای اعتراضی و تاثیر آن بر گسترش شکاف های درون حکومت، مجبور شدند ماهی ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان یارانه نقدی به هر نفر پرداخت کنند. اما همزمان شروع به گران کردن سوخت کردند و متعاقباً قیمت اجناس مصرفی بشدت افزایش یافت و دولت قول داد یارانه نقدی را به ۷۳۵۰۰ تومان برساند.

وعده ای که بیشتر یک اقدام تبلیغاتی بود. صدها هزار کارگر دیگر بیکار شدند و در عوض کسبه بزرگ و آقازاده ها و سپاه پاسداران و دیگر نهادهای صاحب اختیار واردات و صادرات و کلا طبقه سرمایه دار و مفتخور، از قبل تحمیل گرانی و فلاکت بیشتر به مردم، ثروتهای خود را چندین بار افزایش دادند. دولت روحانی در تبلیغات انتخاباتی اش قول داد معضلات اقتصادی را صدروزه حل کند! اما همینکه سر کار آمد برق را گران کرد، اجناس در همین فاصله باز هم گرانتر شدند، کارگران بیشتری بیکار شدند و اکنون دولت و مجلس و ارگانهای مختلف حکومت در حال بررسی قطع یارانه ها، یا قطع پرداخت یارانه نقدی به چند دهک و گرانتر کردن برق و گاز و نفت و بنزین هستند که همانگونه که شاهد بوده ایم گرانی همه کالاهای مورد نیاز مردم را بدنبال خواهد داشت. به عبارت روشن تر حکومت تصمیم دارد بار بحران مالی اش را یکبار دیگر بر سر فقیرترین بخش مردم بشکند تا خود را نجات بدهد.

کارگران، مردم آزاده: جمهوری اسلامی در یک مخصمه جدی گرفتار شده است و راه پس و پیشی ندارد و صرف نظر از اینکه جرات تهاجم تازه و گسترده به شما و توان عملی کردن قطع یارانه ها را داشته باشند یا نه، مردم نباید منتظر بمانند. اگر حرکت وسیع مردم نباشد اوضاع باز هم به زیان مردم تمام خواهد شد. باید با تمام قوا علیه اوضاع فلاکتبار کنونی به میدان بیائیم و کاری کنیم که نه تنها جمهوری اسلامی حتی خواب حمله تازه به

مردم حمله تازه به مردم و خالی کردن سفره فی الحال فقیرانه کارگران و مردم را از سر بدر کند بلکه وضعیت فلاکتبار کنونی را عوض کنیم و به این اوضاع پایان دهیم. مقابل قطع یارانه ها محکم بایستیم و خواهان سوسید دولتی بر کالاهای اساسی مصرفی مردم شویم. قبض های آب و برق و گاز را پرداخت نکنیم و اعلام کنیم که دستمزدها باید فوراً و چندین برابر افزایش یابد و به همه بیکاران و کارگران اخراجی بیمه بیکاری کافی پرداخت شود. اعلام کنیم که طب و آموزش باید فوراً رایگان شود. اعلام کنیم که انرژی هسته ای نمیخواهیم، آزادی و رفاه و معیشت میخواهیم. اعلام کنیم که تحریم ها باید پایان داده شود. اعلام کنیم که هزینه های سنگینی که صرف بشار اسد و گروههای اسلامی و تروریست میشود، هزینه های سنگینی که صرف گله اوباش حکومت میشود، هزینه هائی که صرف مساجد و امامزاده ها و دم و دستگاه مذهبی میشود، باید فوراً قطع شود و صرف تامین زندگی مردم شود.

حزب کمونیست کارگری طبقه کارگر و مردم آزاده را فرامیخواند که به میدان بیائید و بساط حکومت سرمایه داران و مفتخوران اسلامی را در هم بیچند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری سرنگون باد جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

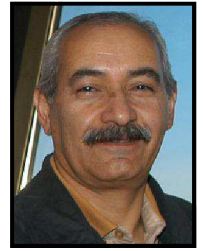
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ آبان ۱۳۹۲،
۲۱ اکتبر ۲۰۱۳

کردپور، دو روز نامه نگار کرد، را به ۹،۵ سال حبس تعزیری همراه با تبعید محکوم نمود. خسرو کرد پور به ۶ سال حبس تعزیری و مسعود کردپور نیز به ۳ سال و نیم حبس محکوم شده اند. به

شدند، و نیز جهت محکوم ساختن افزایش فشارهای این رژیم علیه ملت کرد، دست به اعتصاب غذا زدند.

دادگاه انقلاب مهاباد "مسعود و خسرو

گزارش آژانس خبری موکریان، خسرو خسروی یکی از وکلای مدافع این دو فعال حقوق بشر گفته است که "مسعود و خسرو، هر دو بر اساس مواد ۵۰۰ و ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۰ صفحه ۶



عبدل کلپریان

در داخل رودخانه

وقتی که از روستای گوگچه خارج شدیم نیمه های شب بود. مقصد بعدی ما روستای اسحاق آباد بود که مجموعاً شش خانوار در آنجا زندگی می کردند و یک پایگاه نظامی هم روبروی همین روستا وجود داشت که فاصله آن تا داخل روستا حدود ششصد متر بود. این روستا در مسیر جاده اصلی میروان بانه قرار داشت.

ابتدا برای رسیدن به آنجا می بایست از روی پل رودخانه ای عبور میکردیم تا به آنطرف پل رسیدیم و سپس وارد جاده اصلی منتهی به روستای اسحاق آباد شویم. هوا خیلی تاریک بود و چون آخرین روزهای اسفند ماه بود باران می بارید. بارندگی و آب شدن برفهای کوه چهل چشمه به این رودخانه خروشان سرازیر می شد. کمتر از نیم ساعت به محل پلی که بر رودخانه احداث شده بود رسیدیم. وقتی که به ابتدای شروع حرکت روی پل رسیدیم مشاهده کردیم که مسیر پل به شکل نردبان مانند است و برای عبور از آن نمی شد براحتی به آنطرف رودخانه رفت می بایست با احتیاط قدم بر می داشتیم و گرته در میان زمین و هوا معلق می ماندیم. اما مشکل جلی این بود که امکان نداشت اسب بتواند از روی این پل عبور کند. کمی توقف کردیم و در فکر راه حل عبور دادن اسب بودیم. با اینکه از پانچوهایمان استفاده میکردیم اما بارش باران هم امان نمی داد. تاریکی هم در حدی بود که تشخیص دادن فاصله سه چهار متری را برآیمان سخت کرده بود.

در مدت زمانی که در شهر و اطراف شهر بودیم، کمکهای مالی که جمع شده بود را در داخل یک نایلون زخم و سپس در داخل یک کوله پشتی برزنتی محکمی قرار داده بودیم. کوله پشتی پر از پول بود

مختصری از تاریخ یک دوره / بخش سی و ششم

و حلقه های آنرا هم با فشار بسته بودیم. به رفقا گفتم شما همگی از روی پل عبور و به آنطرف بروید و وسایلی را هم که بر روی اسب گذاشته بودیم را هم به آنطرف ببرید بلکه من بتوانم اسب را از داخل رودخانه عبور داده به آنطرف منتقل کنم. سیل خروشان رودخانه که عرض آن حدود صد و پنجاه متر میشد، بعید بنظر می رسید که بتوانم موفق شوم. یک گونی علف را که برای اسب به همراه داشتیم بر پشت پالان اسب محکم بستیم. کوله پشتی پولها هم هنوز بر کول من بود و با کمک رفقا سوار اسب شدم. اسلحه و خشاب فشنگهایم را نیز با خود داشتم. تلاش کردم اسب وارد رودخانه شود اما بهیچوجه حرکت نمی کرد. بقیه رفقا به آنطرف رودخانه رسیده بودند و فقط دو نفر پیش من مانده بودند تا کمک کنند اسب را که من هم بر روی آن سوار بودم به سمت آب هدایت کنند و خودشان هم بعد از روی پل چوبی به آنطرف بیایند. خلاصه بی فایده بود و اسب تکان نمی خورد. به آن دو رفیق گفتم منتظر نشوید اسب را هول دهید که ترسش بریزد. کافست که دستانش به آب برخورد کند حتما راه خواهد افتاد. اما اسب از ما سه نفر عاقلتر بود و حق هم داشت که حرکت نکند و خود را به رودخانه نزند. خلاصه بعد از هول دادنهای متعدد و رسیدن دست اسب به لبه آب رودخانه، من و اسب هر دو به داخل رودخانه افتادیم. محل تماس آب رودخانه با خشکی حالت شیب سرازیری نداشت و گرته اسب می توانست حرکت کند بلکه شبیه لبه استخر بود که از همان لبه آب حالت گودی داشت. خلاصه افتادن من در آب با کوله پشتی پر از پول و اسلحه و خشابهای فشنگ دقیقاً شبیه شیرجه بردن از بالای سر اسب بود. وقتی که بداخل رودخانه افتادم میدانستم که سرعت آب بحدی است که من و اسب را با خود خواهد برد. تنها چیزی که به ذهنم رسید این بود که افسار اسب را که در دستم بود رها نکم و آنرا در زیر آب بپورم محکم کردم. تنها شانس که داشتم این بود که اسب بعد از اینکه با سر به داخل رودخانه افتاد خودش را به لبه رودخانه چسبانده بود و دستها و

رادیو ترانزیستوری

بعد از ماجرای افتادن در رودخانه با کوله پشتی پر از پول به روستای اسحاق آباد رسیدیم. یک و نیم ساعتی به روشن شدن کامل هوا مانده بود. صاحب خانه بخاری را به گونه ای برآیمان گرم کرده بود که تماماً قرمز شده بود. در این روستا شش خانوار زندگی میکردند و همگی با هم خوشایند بودند. صاحب منزل بعد از آوردن مقداری نان و ماست برای ما رو کرد به من و گفت: عبدل برنامه تان چیست، هوا دارد روشن می شود می خواهی چکار کنی؟ گفتم امروز را اینجا خواهیم ماند و بعد از تاریک شدن هوا می رویم. با هر دو دست روی سر خودش کوبید و گفت: مگر عقلت رو از دست دادی تا حال ندیده



بودم که کومه له اینقدر بی عقل باشد. گفتم چرا مگه چی شده؟ گفت در تاریخ حضور چندین ساله کومه له در این منطقه، سابقه نداشته است که حتی یک نفر بصورت مخفی و در طول روز در این روستا بماند حالا تو با شش نفر مسلح و سه نفر مهمان می خواهی در طول روز اینجا بمانی و همه ما را خانه خراب کنی؟ برایش توضیح دادم که وقتی وارد روستا شدیم نه پایگاه و نه حتی سگهای روستا از آمدن ما خبر نداشتند. در ثانی وقتی برای بیرون رفتن از روستا هم نمانده است. از پنجره بیرون را بهش نشان دادم و گفتم نگاه کن هوا روشن شده است پرند هم پر بزند پایگاه می بیند چه برسد به ما. در حین پذیرایی و آوردن نان وقتی دید که راه دیگری نیست رو کرد به ما و گفت: نگران نباشید هر دو نفر از شما را به منزلی در میان این شش خانوار تقسیم می کنم. بهش گفتم اینگونه مناسب نیست در دو منزل بهتر است چون اگر اتفاقی بیفتد نباید پراکنده باشیم. خلاصه به دو گروه چهار و پنج نفر تقسیم شدیم. پنج نفر آنجا ماندیم و چهار نفر هم به منزل بغل دستی رفتند. وسایل و بارها را به داخل آورده بودیم و صاحب خانه خودش اسب را هم به طویله برد.

در هر دو منزل به نوبت و از داخل نگهبان گذاشتیم که افلا کمی بخوابیم. تا ساعت یک بعدازظهر همه چیز بخوبی و خوشی و در امن و امان پیش رفت. ما فقط نیاز داشتیم سه ساعت دیگر بدون دردسر وقت بگذرد چرا که هر چه زمان به عصر نزدیک می شد اگر هم متوجه حضور ما می شدند هم فرصت درگیر شدن داشتیم و هم فرصت خروج از روستا. چون نیروهای رژیم از ترس اینکه مبادا ضربه بخورند خود را با درگیریهایی نزدیک عصر و ادامه دارد

از صفحه ۱ مصاحبه شیوا محبوبی با اقبال مرادی...

شیوا محبوبی: با سلام خدمت شما آقای اقبال مرادی می‌خواستم راجب آخرین اخباری که از وضعیت زانیار و لقمان مرادی دارید توضیح بدهید؟

اقبال مرادی: زانیار و لقمان هنوز در زندان رجایی شهر هستند، با توجه به آماده‌کاریهای امام جمعه مریوان و مسئولین اداره اطلاعات کردستان جهت اجرای سریع حکم اعدام زانیار و لقمان خوشبختانه هنوز در زندان مانده‌اند و این موضوع ما را خوشحال کرده به نظر من ناشی از تلاش و کوشش شما عزیزانی هست که در این مدت بی‌وقفه در رابطه با وضعیت زانیار و لقمان اطلاع‌رسانی کردید، خوشبختانه شاهدی پیدا شده که در رابطه با اتهام‌های نامربوط و ساختگی مسئولین اداره اطلاعات که به زانیار و لقمان نسبت داده بودند در رابطه با کشتن پسر امام جمعه مریوان بعد از گذشت این همه مدت که در سکوت بوده بالاخره یک نفر از اهالی شهر مریوان که قبلاً هم به گفته خودش نزد امام جمعه رفته ولی امام جمعه به او بی‌اعتنا بوده است اما با وخیم شدن وضعیت پرونده زانیار و لقمان سکوت خود را شکسته و اظهار داشته که شاهد به قتل رسیدن پسر امام جمعه مریوان بوده است که به گفته شاهد که با حضور امام جمعه مریوان و وکیل

زانیار و لقمان صحبت و روشنگری نموده و اظهار داشته که به هیچ وجه این قتل نمی‌تواند کار لقمان و زانیار باشد و کسانی را که در زمان وقوع حادثه دیده به هیچ عنوان شباهتی به زانیار و لقمان ندارند و بیشتر از ۳ یا ۴ نفر این کار را انجام دادند و همراه ۳ ماشین جلو خانه امام جمعه آمدند و این عوامل با خود شاهد هم درگیر میشوند و سعی در بیرون کردن شاهد از محل جرم بودند و با فرار کردن شاهد کمتر از ۲ دقیقه بعد پسر امام جمعه کشته شده است و این شاهد خوشبختانه با اراده کامل حاضر شده در هر مرجع قانونی و دادگاهی این شهادت را بدهد.

شیوا محبوبی: یعنی با وجود اینکه این شاهد وجود داشته باز هم حاضر نبودند که هیچ توجهی به آن بکنند؟

اقبال مرادی: بله خود امام جمعه بی توجه بوده ولی با توجه به اعتراضات مردم کردستان نسبت به اعدامها و حکم اعدام زانیار و لقمان این سکوت شکسته شده و البته مساله دیگری که شاهد توانسته سکوت خود را بشکند از بین رفتن باند ترور و وحشتی است که خود رژیم داشته که مانع از این می‌شده که شاهد از ترس جان خود در مورد این مساله صحبتی نکند اما حالا

با شهامت و اراده کامل آماده و شهادت داده است و من هم از طرف خودم و خانواده‌ام از او تشکر می‌کنم.

شیوا محبوبی: درسته این خبر خیلی خیلی خوبی است و می‌توانم متوجه باشم که چقدر خبر خوشحال کننده‌ای برای شما و همه ما هم هست در این حال این خبر را که شما اعلام کردید و این فردی را که حاضر شده این شهادت را بدهد تاثیر اعتراضات مردمی است که مرتب در صحنه بودند مساله‌ای که می‌خواهم بگویم این است که چطور می‌توان این فشار را ادامه داد که این مساله قطعی بشود؟ خبرها حاکی از این است که هفته آینده اعتصاب عمومی صورت بگیرد شما فکر می‌کنید این فشار را چطور میشود ادامه داد که مطمئن بشویم که زانیار و لقمان را آزاد میکنند؟

اقبال مرادی: دقیقاً من هم اراده‌ای که این مرد پیدا کرده و توانسته در چنین شرایطی این چنین شهادتی بدهد و واقعیت را در حضور امام جمعه و وکیل زانیار و لقمان بدهد ناشی از شهامت خودش و مبارزه و فعالیت‌های فعالین سیاسی و مدنی می‌دانم و برآستی مساله اعتراضات و ناراضیتهایی که در سطح منطقه و جهان تا حال صورت گرفته در رابطه با مساله اعدامها بیانگر این است که مردم دیگر سکوت نمی‌کنند من مطمئنم که این ناراضیتهای و اعتراضات میتواند

تاثیر داشته باشد.

شیوا محبوبی: آیا زانیار و لقمان از این خبری که اعلام کردید اطلاع دارند؟

اقبال مرادی: نه متأسفانه من با زانیار و لقمان هیچ ارتباطی ندارم و تا حالا هم نتوانستیم ارتباطی برقرار کنیم و چیزی که بیشتر ما را نگران می‌کند این است که از طرف خود آنها در مورد وضعیت جسمی و روحی آنها خبری به ما نمیرسد و ما هر خبری که از آنها داریم از طرف هم بندهای یا خانواده‌های آنها است که به ما میدهند.

شیوا محبوبی: فکر می‌کنید برای اینکه مساله آزادی زانیار و لقمان قطعی بشود مردم چطور میتوانند فشار بیاورند، آیا تحصن‌ها یا اعتصاب عمومی در هفته آینده میتواند کمکی به این مساله بکند؟

اقبال مرادی: من به عنوان پدر زانیار و عموی لقمان از مردم مریوان، از تمام دوستانی که آزاد

اندیش هستند خواهش می‌کنم که با پیدا شدن این شاهد و با توجه به وضعیت زانیار و لقمان هرچه بیشتر فشار به امام جمعه مریوان بیاورند و به فراخوان‌هایی که برای اعتصاب عمومی در رابطه با اعدامها داده شده جامعه عمل ببوشانند که بتوانیم از اجرای این حکم اعدام و اعدامهای دیگر جلوگیری کنیم.

شیوا محبوبی: خیلی ممنون از خبر خوبی که به ما دادید و امیدوارم این خبر انگیزه‌ای بشود برای اعتصاب عمومی که قرار است در هفته آینده صورت بگیرد و با فشارهایی که مردم به حکومت می‌آورند از همین تریبون خود شما اعلام کنید که زانیار و لقمان آزاد شده‌اند.

اقبال مرادی: من هم از شما و تمامی مدافعان حقوق بشر که مدام در رابطه با زندانیان سیاسی اطلاع‌رسانی می‌کنید و نقش مهمی را ایفا می‌کنید تشکر می‌کنم و از مردم هم کمال تشکر را دارم.

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات



منضمّن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.



صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E-mail: farzam.karbasi@gmail.com

از صفحه ۴ نگاه هفته...

شهرستان کرمان و به منظور رعایت مسائل امنیتی زندان، "تبریز" به عنوان محل تحمل ۵ سال حبس مقرر تعیین می‌گردد. وکلای آقایان کردپور گفته‌اند که در مهلت قانونی ۲۰ روزه به رای صادره اعتراض خواهند کرد.

ضبط آنتن ماهواره‌ی شهروندان در کامیاران توسط نیروهای رژیم.

شمار زیادی از آنتن ماهواره‌ی شهروندان در روستایی از توابع کامیاران توسط نیروهای رژیم اسلامی ایران ضبط گردید.

به اتهام اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام محکوم شده‌اند. وی همچنین در رابطه با حکم تبعید مدیرمسئول آژانس خبری موکریان گفت: "در ادامه حکم صادره برای خسرو کردپور آمده است که به منظور جلوگیری از تجری وی و دیگران با اختیار حاصله از ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، وی ملزم به ۲ سال اقامت اجباری در

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!